فصلنامه علمی _ترویجی اقتصاد و بانکداری اسلامی، شماره شانزدهم، پاییز ۱۳۹۵- صفحات ۵۹-۳۷

بررسی تاثیر اخلاق و حقوق در تحقق حداکثر کارایی اقتصادی در چارچوب قضیه کوز

علیرضا پورفرج[۱]
صادق بافنده ایمان دوست[۲]
جواد اقدس طینت[۳]

تاریخ دریافت:۱۳۹۴/۹/۴ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۱۲/۸

چکیده

بر اساس قضیه کوز با فرض صفر بودن هزینه های مبادله، حقوق مالکیت تاثیری بر چگونگی تخصیص منابع و حداکثر کارایی قابل حصول نداشته و جامعه طی چانه زنی و توافق های خصوصی به حداکثر ثروت و بهینه اقتصادی دست خواهد یافت، حقوق فقط تعیین کننده نحوه توزیع عادلانه یا غیر عادلانه این ثروت است و بدون توجه به نحوه توزیع در هر حال مجموع ثروت جامعه حداکثر خواهد بود. بر همین اساس می توان گفت اگر هزینه های مبادله صفر باشند اخلاق نیز به عنوان یک دسته الزامات فاقد ضمانت اجرا به مانند حقوق تاثیری بر دستیابی جامعه به حداکثر کارایی نخواهد داشت و می توان جامعه ای را در نظر گرفت که بدون الزامات بیرونی و درونی یعنی بدون حقوق و اخلاق قادر خواهد بود تا به حداکثر کارایی اقتصادی برسد. در این تحقیق با استفاده از روش تحلیلی-توصیفی، در چارچوب قضیه کوز و همچنین بر اساس ادبیات مبتنی بر فایده گرایی، به صورت نوآورانه جامعه ای ساده فرض شده، در حالت های مختلف مورد بررسی قرار گرفته و بحث شده است که چگونه عدم التزام اخلاقی لزوماً موجب کاهش بازدهی اقتصادی و در نهایت کاهش سطح ثروت قابل تقسیم جامعه خواهد بود. در عالم واقع، کارایی آن نقطه تعادلی که از طریق ساز و کار بازار و بر اساس نفع طلبی شخصی به دست می آید بدون وجود قواعد حقوقی مناسب، بهترین نقطه نخواهد بود، همچنین فرض صفر بودن هزینه مبادله ذاتاً وابسته به رعایت اخلاق بوده و حتی با وجود قواعد حقوقی مناسب رعایت اخلاق موجب بهبود کارایی در نقطه تعادل عملی می گردد.

واژگان کلیدی: اخلاق و اقتصاد، اخلاق و کارایی، حقوق و اقتصاد، قضیه کوز
طبقه بندی koo, b54:JEL

---

۱. دانشیار دانشکده علوم اقتصادی و اداری دانشگاه مازندران
۲. دانشیار گروه اقتصاد دانشگاه پیام نور
۳. دانشجوی دکتری علوم اقتصادی دانشگاه مازندران javadaqdasi@yahoo.com

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-11]

۱- مقدمه

زندگی خوب برای بشر چیست و چگونه قابل دستیابی است؟ این سؤال اساسی پیوند دهنده اقتصاد و اخلاق در معنای عام می باشد. دین باوران (مؤمنان) در پاسخ به این سؤال بر اساس باورهای خود شاخص‌هایی برای سعادت و خوشبختی دنیوی و اخروی خواهند داشت و با نگاه به آن شاخصها، نفع مادی و معنوی خود را تعریف کرده و برای رسیدن به نفع شخصی خود تلاش خواهند نمود[۱]. تقریباً برای دین باوران بدیهی است که نفع شخصی بلند مدت و جاودانه در گرو رعایت ملاحظات اخلاقی است.

با توجه به اینکه علم اقتصاد نیز تلاش می کند تا زندگی بشر را تنظیم کند خود به خود اقتصاد و اخلاق با هم پیوند خواهند داشت. هر چند از نظر ما رابطه بین اقتصاد و اخلاق کاملاً بدیهی است اما در چند قرن اخیر به تبع گرایش های رایج فلسفی در غرب که عموماً مبتنی بر اومانیسم و مادی گرایی می‌باشند و با تعریف نفع شخصی متفاوت از آنچه دین باوران به آن ایمان دارند و همچنین با پیش فرض حداکثر کردن نفع شخصی توسط انسان عقلایی بستری به وجود آمده است تا اقتصاددانان پایه های علم اقتصاد اثباتی را بنا گذاشته و به گسترش قلمرو و عمق این علم بپردازند تا اقتصاد تبدیل شود به علمی که آمارتیا سن[۲] به عنوان نقد کننده، آن را اقتصاد مهندسی می نامد، علمی که با افتخار خود را با علوم تجربی دیگر مانند فیزیک مقایسه می‌کند و ادعا دارد همان گونه که اخلاق در تعیین نقطه جوش آب نقشی ندارد در اقتصاد تجربی نیز نقش ندارد. البته این دیدگاهی افراطی است که مورد قبول همه اقتصاد دانان غربی نیست اما نشان دهنده حد نهایی گرایش‌های غالب در حوزه اقتصاد اثباتی می باشد. در این خصوص « سن» از برندگان نوبل اقتصادی و از نظریه پردازان معاصر ارتباط اخلاق و اقتصاد اعتقاد دارد گزاره‌های اقتصاد رفاه در خصوص رفتار واقعی انسان‌ها می‌باشد و چون این رفتار واقعی تحت تأثیر ملاحظه‌های اخلاقی قرار می‌گیرد لذا مباحث اخلاقی در «اقتصاد پیش بین» موضوعیت پیدا می‌کنند؛ «در واقع اگر ملاحظه های اخلاقی هیچ گاه رفتار واقعی انسان ها را متأثر نمی کرد بذل عنایت به مبحث اخلاق کاری عبث می بود» (سن، ۱۳۷۷)

فردی مسلمان با مطالعه تاریخ علم اقتصاد شاید این سؤال برایش پیش بیاید که چرا علمای علم اقتصاد در دوره‌های گذشته بیش از حد بر جدایی اخلاق و اقتصاد تأکید کرده اند حال آنکه بدیهی است که اخلاق و اقتصاد باهم وابستگی داشته یا حداقل بدون هیچ ارتباطی نیستند. جواب

---

۱. البته باید توجه نمود که توصیه هایی نیز از جانب دین رسیده است که مومنان باید سعی کنند فراتر از نگاه حساب و کتاب و تاجر پیشگی به دین بنگرند و در پی سطوح بالاتری از دینداری باشند

2. Amartya Sen

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-11]

این سؤال را باید در روند تاریخی رنسانس در جوامع غربی جستجو کرد، روندی که در آن بریدن و جدایی از الهیات مسیحی و به تبع آن اخلاق کلیسایی، امری ضروری و سودمند بود. برای مسلمانی که معتقد است کسب و کار موجب ثواب اخروی است و یا حتی لذت بردن از دنیا می‌تواند با شرایطی عین اخلاق و منطبق بر معنویات باشد باید هم عجیب باشد که چرا باید از اخلاق برید. اگر چه در جوامع اسلامی نیز شاهد تجربه های تاریخی از وارونگی اخلاق عملی چه توسط حاکمان و چه توسط اقشار عادی هستیم اما هنوز مفهوم اخلاق آن قدر مورد سوء استفاده قرار نگرفته است که بار منفی آن غلبه بیش از حد داشته باشد و دیوی محسوب شود که رهایی از آن موجب افتخار و پیشرفت است. با وجود رابطه گسترده بین اخلاق و اقتصاد از جنبه های مختلف، در این تحقیق دایره بررسی را محدودتر کرده و بیشتر سعی خواهیم داشت تا در چارچوب قضیه کوز و اقتصاد هزینه مبادله به بررسی نقش اخلاق در رسیدن به حداکثر کارایی بپردازیم.

۱-۱- مروری بر تاریخچه اخلاق و اقتصاد

تا قبل از قرن ۱۸ میلادی، اقتصاد زیر مجموعه حوزه مطالعاتی عام تری بوده است که سیاست و اخلاق را نیز در بر می گرفته است و حتی هنگامی که دیدگاههای جدید تر حقوق طبیعی مطرح گردیدند وضعیت اقتصاد تا مدتها تغییر چندانی نکرد. عده ای استدلال می کنند که ظهور سوداگران (مرکانتالیست ها) مبداء جدایی اقتصاد از علوم اخلاقی شد. در ادامه علم اقتصاد هرچه بیشتر به سمت تجربی شدن و فاصله گرفتن از فلسفه اخلاق قرون وسطا پیش رفت. دیدگاه متعارف در این باب را می توان چنین خلاصه کرد که: «اقتصاد فقط با فرار از مغالطه و سفسطه و اخلاق پردازی اندیشه قرون وسطا توانست علم (Science) شود».(آلوی، ۱۳۸۴) «قائلین به لزوم جدایی علم اقتصاد از ارزشهای اخلاقی به طور عمده به این امر استدلال می کنند که قوانین حاکم بر اقتصاد همانند قوانین طبیعی و از سنخ هستها می‌باشند در حالی که ارزشهای اخلاقی ربطی به واقعیت ندارند و از سنخها بایدها هستند» (معصومی نیا، ۱۳۸۶).

شاید بتوان تاریخچه اخلاق و اقتصاد را به شکل ذیل خلاصه نمود:

الف: ابتدا و برای دوران طولانی اقتصاد و سیاست زیر مجموعه علوم اخلاقی بوده اند.

ب: تدوین اصول اقتصاد اثباتی تعادلی و حرکت به سمت جدایی علم اقتصاد از باید و نبایدها و بسط نظریاتی که اعتقاد داشتند بدون باید و نباید و بدون دخالت دولت و بر اساس نفع طلبی شخصی، بازار حداکثر کارایی را تأمین خواهد نمود.

ج: تجربه عملی شکست بازار در موارد متعدد از قبیل بحران های بیکاری، محیط زیست و عدالت اجتماعی.

د: تجویز گسترش دخالت دولت در اقتصاد (تدوین حقوق، سیاست گذاری و حتی دخالت

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-11]

مستقیم) و در ادامه گسترش فعالیت سازمان های مردم نهاد به منظور نظارت بر دولت، کاهش اندازه دولت و افزایش کارایی آن (در چارچوب نظریه انتخاب عمومی و برای کنترل دولتمردان نفع طلب شخصی) در دوره اخیر تجربیات عملی خوبی بدست آمده است اما مشکل اصلی بروز ناکارایی ها و شکست ها همچنان حل نشده باقی مانده است و حتی سازمان های مردم نهاد نیز که راه حل کنترل عملی دولتمردان به شمار می روند ممکن است پس از مدتی در گرداب فساد و عدم کارایی گرفتار شوند.

هـ : پس از دوره‌های پشت سر گذاشته شده هم اکنون در بین اقتصاد دانان زمزمه لزوم توجه به باید و نبایدهای اخلاقی و کمک گرفتن از این آموزه‌ها برای جبران نارسایی‌های بازار و روابط اجتماعی به گوش می‌رسد و به نظر می‌رسد اهمیت این موضوع در چارچوب مباحث اقتصاد اجتماعی رو به گسترش می‌باشد.

۱-۲- اقتصاد و حقوق

حقوق و اخلاق ارتباط تنگاتنگی با یکدیگر دارند و می‌توان گفت بخش اعظمی از حقوق همان گذاره های اخلاقی است که ضمانت اجرایی پیدا کرده اند همچنین با توجه به تاثیر حقوق بر حداکثر کارایی قابل حصول جامعه، مفید خواهد بود اشاره کوتاهی به رابطه اقتصاد و حقوق و تاریخچه آن نیز داشته باشیم. در بخش‌های بعدی نیز تاثیر تدوین حقوق و تشکیل حکومت را بر کارایی اقتصادی جامعه بررسی خواهیم کرد. «می‌توان گفت که نظریه های اقتصادی (حقوق) اصولاً از نوشته‌های مربوط به جرم در آثار بکاریا[1](۱۷۶۷) و بنتام[2] (۱۷۸۹) شروع شده است» (شاول، ۱۳۸۸). «از اواخر دهه ۱۹۵۰ میلادی عده‌ای از حقوقدانان دانشگاه شیکاگو در صدد تسری اصول اقتصاد خرد مکتب کلاسیک جدید و روش فردگرایانه آن به حقوق و رفتارهای غیر بازاری انسان برآمدند. در نگرش اقتصادی به حقوق، قواعد حقوقی ابزارهایی برای تغییر رفتار و سیاست گذاری به شمار می آیند و درستی و اخلاقی بودن تمام قواعد و نهادهای حقوقی بر مبنای توانایی آنها در افزایش ثروت جامعه سنجیده می شود و حتی مفهوم عدالت نیز با مفاهیم مرسوم فرق می کند و عملی عادلانه محسوب می شود که بهره وری اقتصادی داشته باشد».(بادینی، ۱۳۸۳) «عده‌ای از حقوق دانان بزرگ، رویکرد اقتصادی حقوق را مهمترین پیشرفت در آموزش حقوق در قرن بیستم می‌دانند، اقتصاد حقوق بالاترین سطح شهرت خود را در سالهای ۱۹۹۱ و ۱۹۹۲ به دست آورد،

1. Bekarya
2. Bentham

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-11]

زمانی که جوایز نوبل اقتصاد به صورت متوالی به رونالد کوز[1] و گری بکر[2] اعطا شد، اقتصاد دانانی که به پیدایش تحلیل اقتصادی حقوق کمک کرده بودند».(کوتر و یولن،۱۳۸۸)

نگرش اقتصادی به حقوق دارای دوشاخه عمده اثباتی و هنجاری است. در شاخه اثباتی که به دانشگاه شیکاگو منتسب است از اقتصاد به عنوان یک ابزار برای اندازه گیری اثرات اقتصادی قواعد حقوقی استفاده می شود. به نظر می رسد با همین روش امکان بررسی اثرات اقتصادی قواعد اخلاقی و دینی نیز امکان پذیر و دارای فایده باشد. در شاخه هنجاری که به دانشگاه ییل منسوب است ابزار و هدف جابجا می شوند در این گرایش بحث می شود که چگونه می‌توان از قواعد حقوقی به عنوان ابزارهایی استفاده کرد که کارایی اقتصادی را در پی داشته باشند. استفاده از این روش برای تحلیل قواعد اخلاقی مستلزم پذیرفتن نسبیت اخلاق و وجود منطقه الفراغ در احکام اخلاقی است که به نظر می‌رسد با اصول اخلاق اسلامی کم و بیش در تضاد باشد. به عنوان مثال کشتن یک نفر و استفاده از اعضای او برای نجات جان ۵ نفر دیگر ممکن است به نوعی دارای کارایی باشد[3] ولی به هیچ وجه نمی توان حتی در صورت رضایت مقتول، قبح اخلاقی آن را نادیده گرفت و حکم به انجام آن داد.

در مطالعات حقوق و اقتصاد و همچنین مباحث اقتصاد رفاه معیار ثروت یا به عبارت دیگر حداکثر کردن «مجموع ارزش‌های پولی کالاها و خدمات قابل دسترس» به صورت گسترده به کار گرفته می شود. معیار ثروت، معیاری ساده شده و نسبتاً تک بعدی از مفاهیم کلی تر مطلوبیت و رفاه به شمار می‌رود؛ می دانیم که هدف نهایی اقتصاد حداکثر کردن مطلوبیت و رفاه می باشد، کمّی کردن مفاهیم انتزاعی چون مطلوبیت به گونه ای که بتوان مطلوبیت افراد را با عدد نشان داد و یا جمع مطلوبیت جامعه را بدست آورد به گونه ای که تمام اطلاعات لازم را به خوبی نمایش دهد کاری غیر ممکن است در خصوص رفاه نیز وضع همین گونه است. «مطلوبیت های هر فرد ممکن است به هر چیزی که فرد به آن اهمیت می دهد بستگی داشته باشد و نه تنها خواسته های مادی، بلکه مثلاً سلایق وی درباره زیبایی، احساسات نوع دوستانه و انصاف گرایی را نیز شامل شود لذا

1. Ronald H. Coase
2. Gary Beker

۳. لازم است توجه نمود بر اساس معیارهای بهبود کارایی، فرآیندی موجب بهبود کارایی است که باعث بهبود و ضع حداقل یک نفر شود بدون بدتر شدن و ضع هیچ کس دیگر(بهبود پارتو) و یا این که ضرر افراد مت ضر از فرایند، تو سط افراد منتفع پرداخت شود به گونه ای که ر ضایت خاطر ضرر دیدگان جلب گردد(بهبود کالدور-هیکس). در غیر این صورت از نظر فلسفی اظهار نظر در خصوص بهبود کارایی غیر ممکن خواهد بود چرا که کاهش مطلوبیت و افزایش مطلوبیت ها برای دو فرد متفاوت از یک جنس نبوده و غیر قابل مقایسه اند. در این مثال هم در صورت کسب رضایت قبلی فرد مقتول با بهبود کارایی از نوع کالدور-هیکس روبرو خواهیم بود.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-11]

احساس رفاه اجتماعی ممکن است به هر یک از این عناصر بستگی داشته باشد. پس این تصوری اشتباه است که بگوییم از دید اقتصادی رفاه اجتماعی فقط عوامل اقتصادی یعنی میزان کالاها و خدمات تولید شده ومصرف شده را آن هم به صورت محدود در بر می‌گیرد» (شاول، ۱۳۸۸).

محققانی که معیار ثروت را برای کارایی اقتصادی انتخاب می‌کنند استدلال می‌کنند که در دنیای مبتنی بر «اقتصاد پولی» کنونی (در مقایسه با اقتصاد تهاتری)، مطلوبیت‌های افراد به صورت قیمت های پولی کالا و خدمات در بازار منعکس خواهد شد و لذا می‌توان این ارزش‌های پولی را به عنوان نماینده قابل اندازه گیری مطلوبیت‌های غیر قابل مشاهده به کار گرفت[1]. این استدلال و لزوم ساده سازی فرآیندهای پیچیده برای بررسی آنها موجب می شود تا به‌کارگیری معیار ثروت برای بررسی کارایی اقتصادی جامعه به طور گسترده مورد استفاده محققان قرار گیرد اما به هر حال بر این معیار اشکالات متعددی وارد شده است چرا که شامل برخی ویژگی های مهم و موثر بر رفاه و مطلوبیت نمی شود از جمله مواردی که قابل قیمت‌گذاری پولی نبوده و یا مواردی که قیمت آنها انعکاس واقعی مطلوبیت آنها نمی‌باشد، مثلاً قیمت گذاری صحیح مفهوم سلامت یا آرامش به سختی انجام پذیرا ست. اما به هر حال چون قصد داریم بر اساس گفتمان ساده و رایج به مطالعه نقش اخلاق و حقوق در کارایی اقتصادی بپردازیم ما نیز در ادامه از معیار «ثروت» به همان شکل ساده استفاده خواهیم نمود.

اشاره به این نکته ضروری است که بررسی دقیق تر تأثیر اخلاق بر اقتصاد نیازمند این است که پیچیدگی‌هایی را که در عالم واقع وجود دارند در محاسبات وارد کنیم تا چنانچه از قول آمارتیا سن نقل می شود بتوان از «فقر ساختاری نظریات اقتصادی سنتی» رهایی یافته و با توجه به ویژگیهای عالم واقع بجای «صرفه جویی (ساده سازی) در نظریه‌پردازی که ممکن است همچون هر فضیلت دیگری با افراط همراه باشد از پیچیده‌سازی که گاهی سودمند است» استفاده کنیم. (خاکباز،۱۳۸۶)

۱-۳- قضیه کوز و هزینه های مبادله

لازم است قبل از ورود به مباحث اصلی به صورت خلاصه چگونگی شکل گیری مبادلات خصوصی و هزینه این مبادلات را تشریح کرده و همچنین با استفاده از یک مثال، نگاهی نیز به قضیه کوز و نتایج آن داشته باشیم. مبادله کالا، خدمات و یا حتی حقوق قابل انتقال تنها زمانی انجام می شود

---

۱. می‌دانیم که در عمل قیمت‌ها نماینده کاملا دقیقی از مطلوبیت‌ها نیستند در بهترین وضعیت قابل دستیابی از رقابت کامل نیز عدم تقارن اطلاعات و تبلیغات موجب می‌شود قیمتها داری انحراف بوده و جانشین دقیقی از مطلوبیت های غیر قابل مشاهده نباشند.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-11]

که قیمت مورد توافق، مقداری بین ارزش ذهنی کالا برای خریدار و ارزش ذهنی برای فروشـــنده باشـد تا معامله برای دو طرف سـودآور و عملی باشـد. ممکن اسـت کالایی برای فروشـنده اش به اندازه مثلاً ۱۰۰۰ واحد پولی ارزش ذهنی دا شته با شد حال اگر خریدار برای همان کالا حا ضر به پرداخت تا ۱۵۰۰ واحد پولی باشد[1] در صورتی که مذاکرات موفقیت‌آمیز باشد مبادله ای در قیمت p خواهیم داشت که مقدار آن بین این دو ارزش ذهنی خواهد بود یعنی:

$$1000 \leq p \leq 1500$$

حداقل قیمتی که فروشـــنده انتظار دارد در این مبادله دریافت کند ۱۰۰۰ اســـت و حداکثر قیمتی که خریدار حا ضر ا ست بپردازد ۱۵۰۰ ا ست. فرو شنده و خریدار با توجه به این ارز شهای ذهنی متفاوت و بر ا ساس اطلاعاتی که از و ضعیت یکدیگر دارند وارد بازی مبادله شده و م شغول چانه زنی و مذاکره خواهند شـــد میزان قدرت هر یک از آنها در این چانه زنی قیمتی که مبادله و توافق بر اساس آن صورت می پذیرد را مشخص می کند. در مثال فرضی بالا اگر مبادله‌ای صورت نگیرد فروشنده کالایی دارد که ۱۰۰۰ واحد برایش می ارزد و خریدار نیز پولش را که ۱۵۰۰ واحد ا ست خواهد دا شت. اگر این دو نفر وارد مبادله شوند و مثلاً در قیمت ۱۲۵۰ توافق کنند، پس از مبادله فرو شنده ارز شی به میزان ۱۲۵۰ واحد به د ست آورده ا ست و خریدار نیز صاحب کالایی اســـت که ۱۵۰۰ واحد برایش ارزش دارد (اگر چه در یک مبادله ســـود آور برای آن ۱۲۵۰ واحد پرداخته اســـت[2]) و علاوه برمالکیت آن کالا ۲۵۰ واحد از پول خود را نیز حفظ کرده اســـت یعنی مجموع ارزش مالکیت فعلی وی ۱۷۵۰ خواهد بود. م شاهده می شود که این مبادله در مقایسه با قبل موجب افزایش رفاه جامعه دو نفره مذکور به میزان ۵۰۰ واحد خواهد شد.

قیمت مورد توافق به قدرت چانه زنی طرفین بستگی دارد و اگر مذاکرات آنها شکست بخورد تلاش آنها برای تغییر جهت منابع به سمت یک ا ستفاده ارز شمندتر بی ثمر خواهد بود و ارز شی ایجاد نخواهد کرد. هر مبادله‌ای هزینه‌هایی نیز دارد مثل هزینه پیدا کردن فروشـــنده ای که نیاز خریدار را برآورده می کند، هزینه پیدا کردن خریداری که قصد خرید کالای در دست فروشنده را

---

۱. مثال‌های زیادی وجود دارند که در یک کالای مشخص برای افراد مختلف ارزشهای متفاوتی داشته باشد مثلا یک تراکتور برای صـاحبش (فروشـنده) که در حال مهاجرت به شـهر اسـت و برای همسـایه اش (خریدار) که می‌تواند از آن استفاده کند ارزشهای متفاوتی خواهد داشت. کالاهایی که شرایط رقابت کامل را ندارند معمولا با این حالت مواجه هستند در مثال اخیر «تراکتوری با شرایط معین» منحصر به فرد ا ست و قیمت بازاری تعادلی به صورت نقطه‌ای ندارد بلکه قیمت تعادلی آن به صورت بازه‌ای از قیمت‌ها می باشد.

۲. در این مورد نیز مثالهای زیادی وجود دارند که ارزش یک ثروت بیشـــتر از هزینه های صـــرف شـــده برای به د ست آوردن آن ا ست یک مثال حدی، ک سب ثروت از طریق هدیه ا ست که اگر چه رایگان به د ست آمده اما ارزش آن برای صاحبش صفر نیست.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-11]

داشته باشد، صرف زمان و انرژی برای مذاکره و چانه زنی که می تواند خیلی ساده و سریع نباشد، جلب اعتماد طرف مقابل، هزینه های احتمالی برای نظارت و یا اجبار طرف مقابل به اجرای قرارداد و... تمام اینها هزینه هایی هستند که یا مستقیماً دارای قیمت اند و یا قابل تبدیل به قیمت پولی می باشند. برای بدست آوردن خالص افزایش رفاه جامعه ناشی از یک مبادله باید این هزینه ها را از ارزش خلق شده ناشی از مبادله کم کرد.

عوامل متعددی بر هزینه های مبادله تأثیر می گذارند، برخی عواملی که موجب افزایش هزینه مبادله و افزایش احتمال شکست در مذاکرات می شوند عبارتند از این که کالا یا خدمت هر چه بیشتر منحصر به فرد باشد، حقوق مربوط به آن کالا یا خدمت پیچیده و مبهم باشد، طرف های مذاکره هرچه بیشتر باشند، وجود روابط خصمانه و عدم اعتماد بین طرف های مذاکره، طرفین غریبه و ناآشنا باشند، رفتارهای غیر معقول طرفین، خطرات احتمالی وخیلی عوامل دیگر. هم اکنون اعتقاد عمومی وظیفه اصلی دولت‌ها را این می داند که به روشهای مختلف موجب کاهش این هزینه‌ها شوند و شرایط حقوقی و اقتصادی را به سمتی هدایت کنند که هزینه مبادلات در حداقل ممکن بوده و در نتیجه حجم بالای مبادله های سودآور، بیشترین افزایش ثروت نصیب جامعه شود.

رونالد کوز در سال ۱۹۶۰ در مقاله معروف خود با عنوان «مسأله هزینه اجتماعی» این نتیجه را بیان داشت که وقتی هزینه‌های مبادله صفر هستند از نظر کارایی اقتصادی لزوماً چانه زنی موفقیت آمیز خواهد بود و نقطه استفاده کارآمد منابع نیز بدون توجه به قواعد حقوقی وضع شده توسط جامعه از فرآیند چانه زنی خصوصی به دست آمده و منطبق بر نقطه حداکثر کارایی خواهد بود. اگرچه خود کوز این موضوع را با مثال معروف گله دار و کشاورز و به صورت کاملا مبسوط تشریح کرده است (Coase,1960) برای بررسی ساده تر از مثال ساده تر ذیل استفاده می کنیم(پرمن و همکاران،۱۳۸۷). اجتماع متشکل از افراد X و Y را در نظر بگیرید X از نواختن ساز مطلوبیت (سود) کسب می کند در حالیکه سر و صدای ناشی از نواختن ساز موجب اذیت و آزار Y (زیان) می شود. فرض کنید هم چون الگوهای رایج و معمولا منطبق بر واقعیت اقتصادی، نمودار سود نهایی و زیان نهایی نواختن ساز برای X و Y به شکل نمودار۱ باشد. البته کوز در مثال گله دار-کشاورز اشاره دارد که لازم نیست زیان نهایی لزوما صعودی باشد(Coase,1960)

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-11]

(نمودار ۱.)

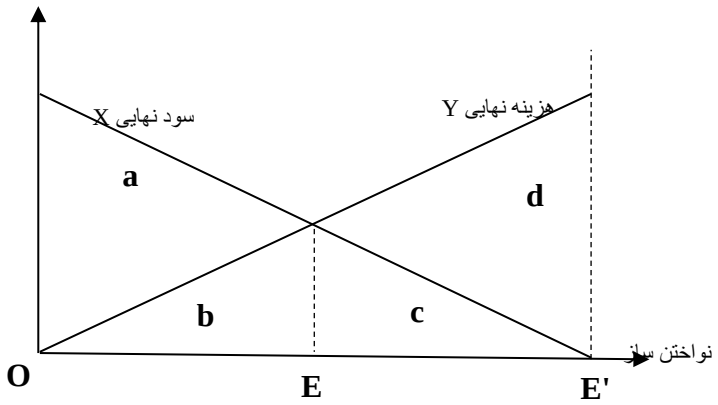

Xمی تواند نواختن ساز را تا 'E ادامه دهد و منافعی به اندازه سطح زیر نمودار سود نهایی خودش یعنی a+b+c کسب کند مشخص است که X فراتر از 'E نخواهد رفت (به دلیل منفی شدن سود نهایی) اگر X تا 'E نواختن را ادامه دهد مجموع زیان Y عبارت خواهد بود از b+c+d همچنین خالص منافع کل این اجتماع دو نفره در این حالت عبارت است از:

$$\pi = (a + b + c) - (b + c + d) = a - d$$

خالص منافع کل جامعه می تواند مثبت یا منفی با شد. حداکثر سود اجتماعی قابل د سترس برای این اجتماع فرضی در نقطه E و میزان آن عبارت خواهد بود از:

$$\pi_{max} = (a + b) - b = a$$

قبل از نقطه E منافعی که X به د ست می آورد بیشتر از زیان Y ا ست و حرکت به سمت E اگرچه ممکن ا ست عادلانه و اخلاقی نبا شد اما خالص منافع اجتماعی را افزایش می دهد(به دلیل سود نهایی زیاد X). بعد از نقطه E منافعی که X به د ست می آورد کمتر از زیان Y ا ست و لذا خالص منافع کاهش خواهد یافت.

اگر هزینه‌های چانه زنی بالا با شد به گونه ای که X و Y نتوانند به توافقی خ صو صی د ست پیدا کنند آنگاه اگر قواعد حقوقی حامی Y باشند نقطه O (مبداء و عدم نواختن ساز) نقطه تعادل خواهد بود اگر قواعد حقوقی وجود ندا شته با شند یا حامیX با شند نقطه تعادل 'E خواهد بود و فرد X نواختن ساز را تا این نقطه گ سترش خواهد داد. م شاهده می شود که با وجود هزینه چانه زنی بالا د ست یابی به نقطه تعادل دارای حداکثر کارایی اقتصادی برای کل جامعه در هر وضعیت

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-11]

حقوقی غیر ممکن است.

در حالتی که هزینه های چانه زنی پایین باشد به گونه ای که X و Y بتوانند با بده و بستان پولی به توافق دست یابند، کوز استدلال می کند که بدون توجه به قواعد حقوقی، نقطه تعادل در E خواهد بود. در فرض اخیر سه حالت قابل تصور است:

الف) عدم وجود قواعد حقوقی: در این حالت X تلاش دارد تا نواختن ساز را تا نقطه 'E گسترش دهد اما بعد از نقطه E امکان معامله ای سود آور بین طرفین وجود دارد که می تواند نواختن ساز را در E متوقف کند در این حالت Y مبلغی به اندازه P_1 به X پرداخت خواهد کرد به گونه ای که:

$c < P_1 < c+d$

و نقطه تعادل با توجه به سودآور بودن معامله برای دو طرف و توافق آنها، نقطه E خواهد بود، مقدار دقیق P_1 نیز بستگی به قدرت چانه زنی طرفین خواهد داشت.

ب) قواعد حقوق حامی X : اگر اصولاً نواختن ساز آزاد باشد و محدودیتی نداشته باشد در این حالت هم مشابه حالت قبل Y مبلغ P_2 ($P_2=P_1$) را به X پرداخت خواهد نمود و نقطه تعادل مجددا E خواهد بود.

ج) قواعد حقوقی حامی Y : اگر قانون نواختن ساز را منوط به رضایت Y کرده باشد به سادگی می توان نشان داد که برخلاف دو حالت قبل این بار X باید مبلغی به اندازه P_3 به Y بپردازد به گونه ای که:

$b < p_3 < a+b$

و نقطه تعادل نیز مجدداً نقطه E خواهد بود.

چنانچه مشاهده شد در حالت امکان توافقی خصوصی، به دلیل نفع طلبی و عملکرد عقلانی افراد، شرایط به سمت استفاده کارآمد از منابع وحداکثر کردن سود کل این جامعه دو نفره می‌رود (یعنی نقطه تعادلیE) و قواعد حقوقی فقط نقش توزیعی خواهند داشت یعنی مشخص خواهند کرد که کل منافع بدست آمده در نقطه بهینه با چه نسبتی بین افراد جامعه توزیع می‌شود.

در مثال بالا در حالتی که هزینه های چانه زنی پایین است جایی برای اخلاق و حتی حقوق مالکیت در تعیین کارایی اقتصادی فنی (بدون در نظر گرفتن عدالت) وجود ندارد چرا که نقطه کارای اقتصادی (بیشینه سود اجتماعی= بیشینه ثروت اجتماعی) به صورت خودکار و بدون نیاز به دخالت خارجی به دست خواهد آمد.[1]

۱. البته کوز فقط چگونگی توزیع حقوق مالکیت را در دستیابی به کارایی بی تاثیر می‌داند وی اشاره دارد که قواعد حقوقی پشتیبان اجرای توافقات خصوصی پیش نیاز رسیدن به نقطه کارایی حداکثر است

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-11]

۲- مروری بر پیشینه تحقیق

در زمینه تاثیر اخلاق در اقتصـاد، منابع گوناگون و تحقیقات متعددی وجود دارند اما هیچ کدام از نظر شکلی با استفاده از چارچوب تحلیلی کوز به بررسی چگونگی تاثیر اخلاق بر کارایی اقتصادی نپرداخته اند و تحقیق حاضـر در این خصـوص دارای نوآوری می باشـد. چارچوب اصـلی و روش بررسی موضوع مبتنی بر کار کوز (Coase,1960) می باشد. کوز فقط الزامات بیرونی یعنی حقوق را در تجزیه و تحلیل خود وارد کرده اسـت و به بحث الزامات درونی یعنی اخلاق نپرداخته اسـت شاید هم بخشی از این موضوع را بدیهی فرض کرده باشد چرا که کوز در هنگام نتیجه گیری برای عدم تاثیر حقوق در تخصـیص منابع همواره بر یک فرض اسـاسـی تاکید دارد و آن فرض کارکرد صحیح نظام قیمت‌ها است، وی بیان می‌دارد که برای کارکرد صحیح و روان نظام قیمت ها لازم است تا اولا بازارهای مبادله وجود داشته و ثانیا هزینه‌های مبادله بسیار ناچیز باشند تا در روند مبادلات اخلال عمده به وجود نیاید. کوز اشاره دارد که در صورت وجود مبادله، حقوق تاثیری در تخصـیص منابع ندارد ولی اذعان دارد که برای وجود خود مبادله نیازمند الزامات حقوقی هسـتیم شـاید بتوان همین جا این پیش فرض ضـمنی را نیز از فحوای کلام کوز اسـتنتاج نمود که برای شـکل گیری بازار و مبادله علاوه بر الزامات حقوقی، بسـتری اخلاقی نیز ضـروری اسـت همچنین واضـح اسـت که اخلاق تاثیر زیادی نیز در کاهش هزینه های مبادله دارد نتیجتاً برای وجود و کارکرد صحیح نظام قیمت ها (که در تحلیل کوز مفروض است) هم به حقوق و هم به اخلاق نیاز خواهیم داشـت. به هر حال جنبه نوآورانه این تحقیق در این اسـت که این فرض نسـبتا بدیهی و البته معمولا نادیده انگاشـته را در چارچوبی تحلیلی و بسـط یافته مورد بررسـی قرار داده اسـت، چارچوبی که به راحتی برای آموزش قضـیه کوز و بررسـی نقش اخلاق و حقوق در اقتصـاد قابل استفاده در کلاس های درسی خواهد بود.

هر چند از نظر شکلی هیچ یک از تحقیقات، در چارچوب قضیه کوز به بررسی نقش اخلاق در اقتصاد نپرداخته اند اما در ادامه به عنوان نمونه به تعدادی از تحقیقات که از برخی جنبه های دیگر تشـابهاتی با تحقیق حاضر دارند اشاره کوتاهی خواهیم داشت.

ابدالی(۱۳۸۹) جایگاه فلسفی اخلاق را در تحلیل های اقتصادی حقوق بررسی کرده است. بر این اسـاس رویکرد غالب اخلاقی در مباحث اقتصـاد حقوق، اخلاق نتیجه گرای معطوف به فایده گرایی است که بر اساس آن کسب حداکثر کارایی به عنوان نتیجه و فایده حقوق تبدیل به معیار اصلی مباحث اقتصاد حقوق شده است. وی تاکید دارد که لازم است تا اخلاق به عنوان یک قید لازم در کنار کارایی اقتصادی مورد توجه قرار گیرد.

دادگر(۱۳۸۶) خلاصـه بسـیار مفیدی از قضـیه کوز، مفاهیم مرتبط آن و کاربرد آن در

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-11]

تحلیل‌های اقتصادی دارد و ضمن بررسی چگونگی تاثیر هزینه های مبادله در کارایی اقتصادی جامعه بیان می دارد بر اساس قضیه کوز نیاز به قانون(حقوق) فقط زمانی توجیه پذیر است که هزینه نسبی قانون در مقایسه با قراردادهای خصوصی کمتر باشد یعنی زمانی که هزینه های مبادله بالا بوده و توافقات خصوصی پر هزینه باشند. همچنین علاوه بر حقوق یا به عبارت دیگر الزامات بیرونی برای کاهش هزینه های مبادله نیازمند یک سری اصول و الزامات اخلاقی هستیم که دست مایه نهادی، هنجاری و ارزشی دارند.

معصومی نیا(۱۳۸۶) به بررسی مبانی بینشی ، آموزه ها و آثار اخلاق اقتصادی پرداخته است و ضمن بررسی تاریخچه توجه به آموزه های اخلاقی در اقتصاد بیان می دارد که آموزه های اخلاقی اسلام افزون بر ارتقای معنوی انسانها، با کمترین هزینه و به مطلوب ترین وجه بین انگیزه های شخصی و منافع عمومی هماهنگی پدید می آورد.

خاندوزی(۱۳۸۵) در تحقیق خود به بررسی اهمیت نقش بستر سازی اخلاقی در توسعه اقتصادی پرداخته است و نتیجه گرفته است که هم تحقق الگوی توسعه(حتی در نظام سرمایه داری) به طور جدی نیازمند بسترهای اخلاقی و فرهنگی است و هم از طرف دیگر عدم تناسب آموزه های رایج دینی و اخلاقی با الگوی توسعه مطلوب موجب تضعیف اهداف و کارکردهای دین و ارزش‌های اخلاقی رایج در جامعه می‌شود.

۳- بررسی تأثیر اخلاق بر حداکثر کارایی قابل حصول در چارچوب قضیه کوز

در قسمت۱-۴ جامعه ای ساده و دونفره با دو رشته فعالیت در نظر گرفته شده بود و بر اساس آن استدلال شده بود که چگونه بدون توجه به چگونگی حقوق مالکیت و همچنین بدون توجه به آموزه های اخلاقی و تنها بر اساس توافقات و مبادلات خصوصی می توان به نقطه حداکثر کارایی آن جامعه دو نفره دست یافت. برای بررسی تاثیرات حقوق و اخلاق بر کارایی اقتصادی می بایست جامعه مورد بررسی را پیچیده تر و در تطابق بیشتری با عالم واقع در نظر گرفت. بدین منظور با یک تمثیل نوآورانه به بررسی این موضوع خواهیم پرداخت.

۳-۱- بررسی جامعه ای پیچیده تر با سه رشته فعالیت کشاورزی،دزدی و دفاع

در مثال بررسی شده قبل فقط یک عمل قابل انجام بود (نواختن ساز) و فرد مقابل نیز عکس العمل متقابلی نداشت. حال بررسی را کمی پیچیده‌تر و واقعی تر می‌کنیم؛ جامعه همچنان ساده‌ای را در نظر می‌گیریم که دارای سه گونه فعالیت رقیب یعنی کشاورزی، دزدی و دفاع باشد. به عبارت دیگر افراد بتوانند وقت، انرژی و سرمایه خود را در امر کشاورزی صرف کنند و به تولید بپردازند، همچنین بتوانند با صرف وقت، انرژی و سرمایه به دزدی از دیگران بپردازند و از این

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-11]

طریق درآمد کسب کنند و همچنین بتوانند برای جلوگیری از دزدی دیگران در دفاع و مسائل امنیتی سرمایه گذاری کنند. باید توجه نمود که کشاورزی نماینده فعالیت‌های مولد و دزدی نماینده فعالیت‌های اقتصادی غیر اخلاقی همچون سرقت، کم فروشی، کلاهبرداری، غش و موارد مشابه است که اکثر آنها ارتباط تنگاتنگی نیز با دروغ دارند، دفاع نیز طیف وسیعی از فعالیت ها را در بر می گیرد که اگرفعالیت های هم خانواده دزدی نباشند آنها نیز قابل حذف خواهند بود از نرده و حصارکشی و قفل گرفته تا نگهبان و تجهیزات امنیتی و تا صرف وقت و انرژی و لزوم دقت برای جلوگیری از دزدی و کلاهبرداری که البته همه معطوف به فعالیت های مخرب انسانی هستند و اقدامات تامینی برای جلوگیری از زیان های ناشی از فعالیت حیوانات و فرآیندهای مربوط به طبیعت در هر حال ضروری خواهند بود. می‌توان جامعه پر فضیلتی را در نظر گرفت که در آن هیچ دزدی و کلاهبرداری پنهان و آشکاری وجود نداشته باشد که اگر این گونه باشد صرفه جویی های مستقیم و غیر مستقیم زیادی به دست خواهند آمد. در این جامعه آرمانی علاوه بر عدم نیاز به تجهیزات و امکانات جلوگیری از دزدی و کلاهبرداری و علاوه بر کاهش هزینه مراقبت و محاسبات به سطحی که فقط برای جلوگیری از اشتباهات لازم است، بخش عمده پلیس و دادگاه ها نیز قابل حذف بوده و به دلیل اعتماد عمومی و نبود خطر های جانبی، تحرک منابع بسیار بالا و شیوه تولید کالا و خدمات و ارایه آنها کاملا متفاوت با جوامع معمول بوده و به راحتی از تمام موقعیتها حداکثر استفاده به عمل آمده و تولید کالاها و خدمات و بهره مندی از آنها نیز می تواند در بهترین حالت ممکن باشد.

اکنون به مثال اصلی خود باز گشته و جامعه ای را با سه رشته فعالیت مذکور در نظر می‌گیریم، این جامعه اگر چه همچنان ساده است اما با واقعیت تطابق بیشتری دارد چرا که در آن فعالیت های رقیب و همچنین عکس‌العمل سایر افراد (دزدی متقابل و یا دفاع متقابل) نیز وجود دارد اکنون می توانیم وضعیت اقتصادی این جامعه را در حالت‌های مختلف و در چارچوب استدلالی قضیه کوز بررسی کنیم.

فرض کنید مجموع سرمایه های فیزیکی و انسانی این جامعه ۱۰۰۰ واحد پولی باشد، در ابتدا دزدی وجود نداشته و بنابراین همه افراد همه سرمایه خود را برای تولید کشاورزی صرف کرده و ۲۰۰۰ واحد پولی بازدهی ناشی از فعالیت تولیدی بدست می آید در این حالت بازدهی سرمایه گذاری های کل جامعه ۱۰۰٪ خواهد بود که شرح ساده آن در جدول ۳-۱ آمده است.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-11]

(جدول ۳-۱)

		سرمایه گذاری	تولید یا درآمد	درآمد قابل تقسیم در رشته فعالیت پس از کسر دزدی	بازدهی کل جامعه	$\frac{\text{هزینه کل} - \text{درآمد قابل تقسیم}}{\text{هزینه کل}} \times 100$
مرحله ۱ عدم دزدی	کشاورزی	۱۰۰۰	۲۰۰۰	۲۰۰۰	٪ ۱۰۰	$\frac{2000-1000}{1000} \times 100$
	دزدی	-	-	-		
	دفاع	-	-	-		

در ادامه می توان وجود فعالیت های منفی مثل دزدی را نیز می توان در محا سبات وارد کرد، اگر چه دزدی از نظر اخلاقی مذموم است ولی سرمایه گذاری در دزدی در این جامعه سودآور بوده و در مرحله دوم ممکن اســـت عده ای به فکر بیافتند که با زحمت و ســـرمایه کمتر به جای کشـــاورزی از طریق دزدی کســـب درآمد نمایند. فرض کنید در این مرحله ۲۰۰ واحد از مجموع ۱۰۰۰ واحد سرمایه موجود، در فعالیت دزدی صرف شود و فقط ۸۰۰ واحد به کشاورزی اختصاص یابد. با توجه به ا صل بازدهی نزولی در تولید می‌توان در نظر گرفت که ۲۰۰ واحد کاهش سرمایه گذاری در کشاورزی منجر به کاهش ۳۰۰ واحدی در درآمد فعالیت های کشاورزی خواهد بود که اگر بازدهی را ثابت در نظر می‌گرفتیم می بایســـت ۴۰۰ واحد کاهش در درآمد کشـــاورزی می داشـــتیم به هر حال با فرض بازدهی نزولی، درآمد کشـــاورزی در این مرحله ۱۷۰۰ خواهد بود. از طرف دیگر به دلیل اینکه هیچ گونه دفاع در برابر دزدی وجود ندارد درآمد نهایی فعالیت دزدی بسیار بالا بوده و می تواند مثلاً عدد ۸۰۰ باشد یعنی افراد دزد با سرمایه گذاری ۲۰۰ واحدی به راحتی می توانند ۸۰۰ واحد از درآمد ۱۷۰۰ واحدی کشاورزی را به خود اختصاص دهند. وضعیت مرحله دوم در جدول ۳-۲ آمده است.

(جدول ۳-۲)

		سرمایه گذاری	تولید یا درآمد	درآمد قابل تقسیم در رشته فعالیت پس از کسر دزدی	بازدهی کل جامعه	$\frac{\text{هزینه کل} - \text{درآمد قابل تقسیم}}{\text{هزینه کل}} \times 100$
مرحله ۲ ورود دزدی	کشاورزی	۸۰۰	۱۷۰۰	۹۰۰	٪ ۷۰	$\frac{1700-1000}{1000} \times 100$
	دزدی	۲۰۰	۸۰۰	۸۰۰		
	دفاع	-	-	-		
	کل درآمد قابل تقسیم			۱۷۰۰		

کل درآمد قابل تقســـیم در جامعه در مرحله دوم عبارت اســـت از ۸۰۰ واحد درآمد ناشـــی از

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-11]

دزدی و ۹۰۰ واحد باقیمانده منافع فعالیت کشاورزی برای کشاورزان پس از کسر آنچه از تولیدات کشاورزی دزدیده می شود (۸۰۰-۱۷۰۰) که کل درآمد قابل تقسیم مجموعاً ۱۷۰۰ واحد خواهد بود. مشاهده می شود که همیشه درآمد قابل تقسیم جامعه دقیقاً همان درآمد فعالیت مولد کشاورزی است و دزدی اگر چه بخشی از سرمایه جامعه را مصروف خود می دارد ولی به درآمد کل جامعه اضافه نکرده و فقط نحوه تقسیم درآمد فعالیتهای مولد را تغییر می دهد.

در مرحله سوم افراد متوجه می‌شوند که برای مقابله با دزدی باید در امور دفاعی و امنیتی سرمایه‌گذاری کنند (نگهبانی، حصار، اسلحه و...) به طور کلی در این مرحله افراد می‌توانند در یک یا چند رشته از فعالیت‌ها سرمایه‌گذاری کنند، یا یک فعالیت انجام دهند یا مشغول دو رشته فعالیت باشند و یا به طور همزمان به هر سه فعالیت بپردازند یعنی هم تولید کنند، هم از دیگران دزدی کنند وهم در مقابل دزدی دیگران از مال خود دفاع کنند. میزان سرمایه‌گذاری افراد در هر یک از این سه فعالیت بر اساس نفع طلبی شخصی و عقلایی بستگی به تابع سود فردی این فعالیت‌ها دارد. اصول اقتصاد نئوکلاسیکی پیش‌بینی می‌کند که هر سه فعالیت به نحوی گسترش پیدا می‌کنند که در نهایت سود نهایی هر سه آنها با هم برابر شود (با فرض بازدهی نزولی برای فعالیت‌ها). با این حال برای پیچیده نشدن جدول بررسی می توان در نظر گرفت دزدی فقط از کشاورزان انجام شود و دفاع نیز فقط توسط ایشان صورت گیرد، البته این فرض ضروری نیست چرا که روابط بین افراد هر قدر هم پیچیده شود در نهایت درآمد قابل تقسیم کل فقط همان درآمد فعالیت مولد کشاورزی است.

به صورت ساده می توان فرض کرد در مرحله سوم ۲۰۰ واحد سرمایه گذاری در امور دفاعی انجام شود. بدین ترتیب در این مرحله ۶۰۰ واحد در فعالیت مولد کشاورزی، ۲۰۰ واحد در فعالیت مخرب دزدی و ۲۰۰ واحد نیز در امور دفاعی حفاظت از منافع کشاورزی در برابر دزدی سرمایه گذاری خواهیم داشت. می توان در نظر گرفت در این مرحله تولید فعالیت کشاورزی ۱۴۰۰ واحد باشد[1].

در مرحله دوم به دلیل عدم دفاع در برابر دزدی، بازدهی دزدی بسیار بالا بود (۸۰۰ واحد درآمد در مقابل ۲۰۰ واحد هزینه) اما به طور منطقی در مرحله سوم بازدهی دزدی به دلیل امور دفاعی انجام شده پایین خواهد آمد؛ می‌توان در نظر گرفت در این مرحله ۲۰۰ واحد سرمایه

۱. اگر چه عدد ۱۳۵۰ تناسب بیشتری با روند بازدهی نزولی دارد ولی برای سادگی عدد ۱۴۰۰ را در نظر می‌گیریم. در صورت برآورد تابع تولید و سود برای هر سه رشته فعالیت می توان با حل دستگاه معادلات به دست آمده تحلیل دقیق‌تری از موضوع داشت، افزایش و کاهش جزئی در اعداد استفاده شده در جدولها که حالت ساده شده از واقعیت احتمالی است خدشه ای در اصل تحلیل نخواهد داشت.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-11]

گذاری در دزدی به اندازه ۴۰۰ واحد درآمدزایی برای دزدان داشته باشد، بر این اساس ۲۰۰ واحد سرمایه گذاری درامور امنیتی با ایجاد مانع در دزدی باعث برگشت ۴۰۰ واحد از منافع دزدیده شده در مرحله قبل به فعالیت های کشاورزی می شود. وضعیت مرحله سوم در جدول ۳-۳ آمده است.

(جدول ۳-۳.)

		سرمایه‌گذاری	تولید یا درآمد	درآمد قابل تقسیم در رشته فعالیت پس از کسر دزدی	بازدهی کل جامعه	$\frac{\text{هزینه کل} - \text{درآمد قابل تقسیم}}{\text{هزینه کل}} \times 100$
مرحله ۳ ورود دفاع	کشاورزی	۶۰۰	۱۴۰۰	۱۰۰۰	٪ ۴۰	$\frac{1400-1000}{1000} \times 100$
	دزدی	۲۰۰	۴۰۰	۴۰۰		
	دفاع	۲۰۰	-	-[1]		
	کل درآمد قابل تقسیم			۱۴۰۰		

در این مرحله کل درآمد قابل تقسیم جامعه ۱۴۰۰ می باشد و دزدی و دفاع فقط نحوه توزیع آن را مشخص می‌کنند یعنی از این ۱۴۰۰ واحد درآمد، ۴۰۰ واحد به دزدی و ۱۰۰۰ واحد به فعالیتهای کشاورزی می رسد. هزینه صرف شده در دفاع نیز باعث تثبیت وضعیت کشاورزان در مقابل دزدان می‌شود.

مشاهده می‌شود که دزدی و نیاز به دفاع در برابر دزدی به شدت ثروت و کارایی اقتصادی جامعه را کاهش می دهند و در بلند مدت رواج دزدی افراد از یکدیگر و ریخته شدن قبح آن موجب چرخه ای از فقر مداوم برای این جامعه خواهد بود. بدترین حالت، رواج دزدی‌های غیر واضح در جامعه همچون کم کاری و کم فروشی، کلاهبرداری، غش در معامله و رذیلت‌های اخلاقی مشابه است که هر چه بیشتر موجب پایداری عدم کارایی در جامعه خواهند بود. دفاع به دلیل اختصاص بخش دیگری از توان جامعه به خود موجب کاهش درآمد قابل تقسیم کل و کاهش کارایی نسبت به مرحله قبل شده است اما باعث می شود تا توزیع درآمدها عادلانه تر شده و دریافتی دزدان کاهش و دریافتی بخش کشاورزی افزایش یابد.

اکنون قصد داریم بررسی کنیم که با فرض پایین بودن هزینه های چانه زنی در این جامعه آیا

---

۱. برای پرهیز از پیچیدگی جدول می توان اینگونه در نظر گرفت که فعالیتهای دفاعی اگر چه هزینه بر هستند ولی اضافه درآمد قابل تقسیم مستقلی ایجاد نمی‌کنند بلکه درآمد قابل تقسیم سایر فعالیت ها را تثبیت می‌کنند. با توجه به اینکه هدف، محاسبه درآمد کل قابل تقسیم است و توزیع آن موضوعیت ندارد این نوع نگرش به موضوع، خللی به بحث وارد نمی کند.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-11]

امکان رسیدن به توافقی که بالاترین کارایی اقتصادی رادر پی دارد(بازگشت به سطح مرحله اول و بازدهی ٪۱۰۰) وجود خواهد داشت؟

می‌توان فرض کرد امکان مذاکره بین تمام افراد جامعه وجود دارد. با توجه به اینکه تمام آنها از غیر کارا بودن وضـعیت موجود آگاهند می توانند با هم مذاکره کنند و پس از چانه زنی، توافقی حاصـل کنند که به دنبال آن کارایی افزایش یافته و مازاد ایجاد شـده به شـیوه ای که در توافق مشخص شده است بین افراد تقسیم شود.

۳-۲- تشکیل حکومت و تنظیم قواعد حقوقی برای افزایش کارایی

یکی از توافق‌های قابل دستیابی با سطح کارایی بالاتر این است که افراد این جامعه توافق کنند به جای اینکه هر یک جداگانه در امور دفاعی و امنیتی سرمایه‌گذاری شخصی انجام دهد طبق توافق جمعی، نیروی نظامی (حکومت) تشکیل شود تا با صرف هزینه های کمتر و با بازدهی بیشتر از اموال مالکان در مقابل دزدی محافظت کند اگر تمام این فرضیات صحیح باشد و توافقی حاصل شود و در عمل نیروی نظامی کارآمدتر از مجموع سرمایه گذاریهای فردی عمل کند[1] احتمال این وجود دارد که تغییراتی به شکل ذیل در وضعیت جامعه به وجود آید.

نیروی نظامی با صرف هزینه به اندازه ۱۰۰ واحد (کمتر از مجموع دفاع های فردی در مرحله قبل) باعث می‌شـود که موفقیت دزدی کمتر باشـد و به دلیل اینکه درآمد نهایی دزدی کاهش خواهد یافت سرمایه گذاری در آن هم به صورت منطقی با کاهش مواجه خواهد شد می توان در نظر گرفت ۱۰۰ واحد سـرمایه گذاری در دزدی و کسـب ۲۰۰ واحد درآمد از طریق دزدی نقطه تعادل باشد. در این نقطه سرمایه گذاریها شامل ۸۰۰ واحد در کشاورزی(با درآمد ۱۷۰۰واحد)، ۱۰۰ واحد دفاع ملی و ۱۰۰ واحد دزدی خواهد بود. کل درآمد قابل تقسـیم در جامعه نیز ۱۷۰۰ خواهد بود که شـامل ۱۵۰۰ واحد درآمد باقی مانده کشـاورزی پس از دزدی و ۲۰۰ واحد درآمد دزدی است. منافع حاصل از دفاع ملی نیز بخشی از همین ۱۷۰۰ واحد درآمد فعالیت های مولد بوده که از دزدی مصون مانده و با مشخصه های کالای عمومی بین تمام مالیات دهندگان تقسیم شده است.

---

۱. در عمل ممکن است اینگونه نباشد و مثلاً این نیروی نظامی غیر کارا یا فاسد باشد که این خود جنبه ای دیگر از پیچیدگی دنیای واقعی است. با این حال همان گونه که در (نورث و همکاران،۱۳۸۵) بحث شده تاریخ مکتوب بشـری بیانگر این اسـت که وضـعیت طبیعی و معمول جوامع قرار داشـتن حکومت در دسـت زورمندان و استثمارکنندگان دیگران است با این حال بازهم به نفع تمام طبقات جامعه است (از جمله دزدان در مثال ما) که حکومت تشکیل شود و مازاد ایجاد شده بین همه تقسیم شود. اگر زورگویان (دزدان) حاکم باشند بیشتر این مازاد به ایشان خواهد رسید و بقیه مازاد سهم سایر طبقات اجتماعی خواهد بود.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-11]

وضعیت مرحله چهارم در جدول ۳-۴ نشان داده شده است.

(جدول ۳-۴.)

		سرمایه گذاری	تولید یا درآمد	درآمد قابل تقسیم در رشته فعالیت پس از کسر دزدی	بازدهی کل جامعه	$\frac{\text{هزینه کل} - \text{درآمد قابل تقسیم}}{\text{هزینه کل}} \times 100$
مرحله ۴ دفاع ملی و تشکیل حکومت	کشاورزی	۸۰۰	۱۷۰۰	۱۵۰۰	٪ ۷۰	$\frac{1700-1000}{1000} \times 100$
	دزدی	۱۰۰	۲۰۰	۲۰۰		
	دفاع	۱۰۰	-	-		
	کل درآمد قابل تقسیم			۱۷۰۰		

مشاهده می‌شود که توافق برای تشکیل حکومت و استفاده از قواعد حقوقی با کاهش دزدی موجب افزایش کارایی از ۲۰ درصد به ۶۰ درصد شده است اما همچنان نسبت به مرحله اول کارایی قابل دسترس، پایین‌تر از سطح حداکثر خود می‌باشد.

واضح است که تا وقتی دزدی و به تبع آن دفاع وجود دارد حداکثر کارایی غیر قابل دسترس است و حداکثر کارایی زمانی بدست می آید که دزدی بدون نیاز به دفاع حذف گردد یعنی هیچ سرمایه و هزینه ای صرف دزدی و دفاع نشود و این مستلزم رعایت اخلاق توسط تمام افراد جامعه است که همان نتیجه «تأثیر مثبت اخلاق بر افزایش کارایی اقتصادی» خواهد بود. اما نکته مهمتر این است که آیا می‌توان حالتی را در نظر گرفت که بدون نیاز به رعایت ملاحظات اخلاقی، جامعه مورد نظر تنها بر اساس توافق اجتماعی و مذاکره بتواند دزدی را حذف و به نقطه حداکثر کارایی دست یابد.

۳-۳- بررسی امکان توافق اجتماعی با کارایی بالاتر

در قسمت قبل دیدیم که حذف دزدی موجب بهبود نقطه قابل دستیابی و افزایش کارایی می‌شود، مسلماً پایبندی به اخلاق می تواند موجب حذف دزدی و رسیدن به مقصود باشد اما در ادامه می‌خواهیم بررسی کنیم آیا راه حل قابل دستیابی دیگری غیر از لزوم رعایت اخلاق وجود دارد. در مرحله چهارم ، افراد مشغول به دزدی با صرف سرمایه ۱۰۰ واحدی، ۲۰۰ واحد درآمد برای خود کسب کرده اند اما باعث شده اند که کل جامعه ۳۰۰ واحد کمتر نسبت به مرحله اول (عدم دزدی) درآمد قابل توزیع داشته باشد. قضیه کوز، پیش بینی می کند که جامعه می تواند به توافقی سودآور بین دزدان و سایرین د ست یابد که بر ا ساس آن مبلغی بیش از درآمد افراد دزد یعنی بیشتر از ۲۰۰ واحد به آنها پرداخت گردد تا د ست از دزدی بردارند، این مبلغ مورد توافق از

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-11]

۳۰۰ واحد نیز بیشتر نخواهد شد یعنی:

$۱۰۰<p<۳۰۰$

و مقدار دقیق آن نیز به قدرت چانه زنی طرفین بستگی خواهد داشت. لذا به نفع همگان خواهد بود که مبلغ p به دزدان پرداخت شود تا افراد دزد دست از دزدی بردارند تا هم منافع دزدان بیشتر شود و هم جامعه به سمت کارایی بیشتر پیش رود. اگر چنین توافقی عملی شود جدول ۳-۵ بدست خواهد آمد.

(جدول ۳-۵)

		سرمایه گذاری	تولید یا درآمد	درآمد قابل تقسیم در رشته فعالیت پس از کسر دزدی	بازدهی کل جامعه	$\frac{\text{هزینه کل} - \text{درآمد قابل تقسیم}}{\text{هزینه کل}} \times 100$
مرحله ۵ چانه زنی و توافق با دزدان	کشاورزی	۱۰۰۰	۲۰۰۰	۲۰۰۰	٪ ۱۰۰	$\frac{2000-1000}{1000} \times 100$
	دزدی	–	–	–		
	دفاع	–	–	–		
	کل درآمد قابل تقسیم			۲۰۰۰		

در این حالت بازدهی فنی حداکثر است و تمام منابع در تولید مولد کشاورزی سرمایه گذاری می شود و درآمد قابل تقسیم در جامعه ۲۰۰۰ واحد خواهد بود که مبلغ p به افراد دزد شرکت‌کننده در توافق پرداخت می شود($p>200$) و بقیه آن سهم فعالیت های کشاورزی است.

توافق بالا ممکن است غیر عادلانه و غیر اخلاقی باشد اما تخصیص بهینه منابع وکارایی فنی اقتصادی را تأمین می‌کند و اگر توافق مذکور قابل دستیابی باشد می توان گفت اخلاق تأثیری در حداکثر کردن کارایی فنی جامعه مورد بررسی ندارد بلکه فقط می‌تواند نحوه توزیع را مشخص کند. اگر هزینه های چانه زنی صفر باشد از لحاظ تئوری نمی‌توان امکان حصول این چنین توافقی را رد کرد.

اما در دنیای واقعی این هزینه ها نه تنها در حداقل ممکن نیستند بلکه احتمالاً سطح بالایی خواهند داشت. از آن مهمتر این است که فرض صفر بودن هزینه های چانه زنی در مثال بالا دارای اشکال ساختاری است. توضیح اینکه یکی از پیش نیازهای توافق و مبادله، اعتماد طرفین به یکدیگر است حال اگر برخی از طرف های مذاکره دزد و کلاهبردار باشند و خود را ملزم به اصول اخلاقی ندانند چگونه اعتماد و توافق بدون هزینه‌های اجرایی بالا قابل دستیابی است، یعنی عدم التزام اخلاقی نه تنها مستقیماً موجب کاهش کارایی فنی می شود بلکه هزینه‌های چانه زنی را نیز

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-11]

افزایش می دهد به گونه ای که احتمالاً هیچ گونه توافقی برای نزدیک شـــدن به نقطه حداکثر کارایی قابل د ستیابی نبا شد. ا صولاً افراد دزد (اگر فرض کنیم م شخص با شند و تمایل به مذاکره دا شته با شند) غیر قابل اعتمادند و ت ضمینی وجود ندارد که نفع شخ صی آنها باعث ارتکاب عمل دزدی نشـــود علاوه بر این با فرض توافق با همه دزدان و پایبندی آنها به قرارداد و نبود ســـرمایه گذاری های امنیتی، و ضعیتی به وجود می آید که سود نهایی عمل دزدی بسیار بالا خواهد بود و دلیلی وجود نخواد داشت تا عده ای که قبلاً به دلایلی دزدی نمی کرده اند اکنون وارد این فعالیت نشوند. لذا باید گفت که به دلیل عدم امکان صفر بودن هزینه های معاملاتی بدون رعایت الزامات اخلاقی، ر سیدن به توافق خ صو صی حداکثر کننده کارایی در چارچوب ق ضیه کوز ممکن نخواهد بود و جامعه نمی تواند خود را از عدم کارایی ناشی از عدم رعایت اخلاق رها کند.

۴- خلاصه بحث و نتایج

۱- در صورت عدم وجود الزامات اخلاقی و پایبندی به ا صول دینی و ضعیتی در جامعه به وجود خواهد آمد که بر اســاس آن دســتیابی به حداکثر کارایی اقتصــادی غیر ممکن خواهد بود. رذایل اخلاقی چون دزدی آشـــکار و پنهان، کلاهبرداری، غش وکم فروشـــی، کم کاری در قراردادهای اســـتخدام و فعالیتهایی از این نوع موجب کاهش ثروت کل جامعه می‌شـــود. چرا که بخشـــی از ســـرمایه‌های اجتماع که می توانند مولد باشـــند به بخش غیر مولد انتقال می‌یابند علاوه بر این عکس العمل متقابل و لزوم ســرمایه گذاری در امور امنیتی فیزیکی و غیر فیزیکی موجب تشــدید این عدم کارایی می شود. با توجه به خ صو صیات ان سانها ممکن ا ست در نظر گرفتن یک جامعه آرمانی فاقد فعالیت‌های مضــر مقدور نباشــد اما نزدیک شــدن به شــرایط آرمانی همواره می‌تواند موجب بهبود وضعیت عملی باشد.

۲- همانگونه که بحث شـــد، پایین بودن هزینه های چانه زنی و مبادله بین افراد بخش خصو صی موجب می شود تا به نقطه کارایی اقتصادی نزدیک شویم. صفات نیکوی اخلاقی چون صـــداقت، خیرخواهی، امانت داری، پایبندی به تعهدات و... موجب کاهش هزینه‌های چانه زنی می‌شــوند و تحرک منابع تولیدی و مصــرفی را تســهیل می کنند ، در جامعه ای که در آن دروغ، طمع، دزدی و نقض تعهد رواج دارد امکان دستیابی به توافقات سودآور خصوصی کاهش می یابد. بر همین اســاس موضــوع «اقتصــاد هزینه مبادله» می تواند یکی از چارچوب های اصــلی مباحث اقتصاد اسلامی باشد چراکه فضای مشترک زیادی با آموزه های دینی داشته و قابلیت مانور زیادی در این فضای مشترک وجود دارد.

۳- به نظر می رســد به دلیل عدم امکان حصــول توافق بین افراد جامعه مشــکل عدم کارایی ناشی از دزدی و تجاوز به حقوق دیگران در چارچوب بازار رقابت کامل و توسط دست نامرئی آدام

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-11]

ا سمیت یا به عبارت دیگر تو سط «نفع طلبی شخ صی» قابل حل نبا شد و حتی اگر همه بدانند دزدی بر خلاف منافع بلند مدت اجتماعی و فردی اســت باز هم نفس اماره، انســان هایی را به دزدی وا می دارد. وجود این صفت مذموم اخلاقی هم م ستقیماً موجب کاهش کارایی می شود و هم از طریق افزایش هزینه های چانه زنی امکان حصــول توافق اجتماعی برای رســیدن به نقطه کارایی (هر چند غیر عادلانه) را منتفی می کند. اگر چه در تئوری، نفع طلبی شخ صی بر ا ساس فرض رقابت کامل و فرض صــفر بودن هزینه های مبادلات ما را به حداکثر کارایی می رســاند اما باید گفت این دنیای فرضی در عالم واقعی و فضای ارتباطی انسانها وجود خارجی ندارد و حتی اگر نزدیک شدن به رقابت کامل بدون الزامات اخلاقی ممکن باشد فرض صفر بودن هزینه مبادلات به شــدت بیشــتری با رعایت اخلاق همبســتگی دارد یعنی فرض صــفر بودن هزینه مبادلات در یک جامعه غیر اخلاقی غیر واقعی بوده و دســترســی به حداکثر کارایی نیز بدون اخلاق غیر ممکن خواهد بود.

۴- تشــکیل حکومت، نهادهای قانونی و قواعد حقوقی می تواند موجب افزایش کارایی اقتصادی باشد چه به صورت مستقیم در مقایسه با مجموع هزینه های لازم برای انجام جداگانه و فردی این وظایف و چه غیر مستقیم از طریق ایجاد بستر مناسب برای مبادلات سودآور خصوصی و پایین آوردن هزینه های چانه زنی، لذا ســرمایه گذاری اجتماعی در این زمینه حتماً ســودآور خواهد بود. جامعه ایران دارای مشــکلات قانونی، حقوقی و اجرایی متعددی اســت کمیت دعاوی حقوقی، دزدی، کلاهبرداری، و نقض تعهدات متا سفانه بسیار بالا و خارج از شأن جامعه ا سلامی ا ست همچنین احقاق حق در محاکم دادگستری طولانی و مشکل ا ست. وجود این مسایل باعث می شود تا بخش خصوصی محافظه کار باشد و نتواند به حداکثر استفاده کارا از منابع دست یابد یعنی بخش بزرگی از ناکارایی اقتصــادی جامعه ایران ناشــی از بالا بودن هزینه‌های چانه زنی و مبادلات است که موجب عدم تحرک منابع اقتصادی به سمت کارایی و بهروری بیشتر شده است و خود را در قیمت تمام شــده کالا ها و خدمات نیز نشــان می دهد. تخمین این اثر بر قیمت تمام شده کالاها و خدمات می تواند موضوع یک تحقیق نوآورانه دیگر باشد. باید اشاره کرد که مشکلات احقاق حق در دادگســتری دو جنبه موثر بر یکدیگر دارد که عبارتند از ضــعف ســاختاری دادگستری(طرف حاکمیت) و ضعف اخلاقی جامعه(طرف عموم ملت که شامل مسئولان امور نیز می شود)، ضعف ساختارهای قانونی، تشکیلاتی و اجرایی در حاکمیت و عدم اقتدار دادگستری موجب تشدید و خودنمایی ضعفهای اخلاقی جامعه شده و در مقابل ضعف‌های اخلاقی جامعه نیز موجب عدم کارکرد صحیح قوانین و همچنین موجب وفور دعاوی و فلج شدن محاکم شده است. به هر حال هردو جنبه مذکور موجب آن شده‌اند تا هزینه‌های توافقات سودآور خصوصی در ایران

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-11]

بالا باشد. متاسفانه به دلیل نبود آمار رسمی و پیچیدگی های اجرایی، تحقیقات اقتصادی کمتر به این مباحث پرداخته‌اند اما به نظر می‌رسد که ورود اقتصاددانان به این حیطه و مباحثی چون اقتصاد قضایی و توسعه قضایی می تواند بسیار کاربردی و مفید بوده و موجب گردد تا اراده سیاسی قوی تری برای حل مشکلات حقوقی جامعه فراهم آید.

۵- نشان داده شد که سرمایه گذاری جامعه در حقوق سودآور است و به طور مشابه می توان گفت سرمایه گذاری در ترویج اخلاق نیز برای جامعه سودآور خواهد بود و موجب بهبود کارایی بالقوه جامعه خواهد شد. در سودآوری آموزش و ترویج فضایل اخلاقی شکی نیست نکته قابل توجه چگونگی سرمایه گذاری عملی و صرف هزینه در ترویج ف ضایل اخلاقی ا ست، مطمئناً این موضوع نیز دارای پیچیدگی بسیار زیادی است، اکتفا به جلسات تبلیغاتی، حیف و میل بیت المال به تصور ترویج دین، تأکید بر ظواهر و رواج ریا از آفت های این سرمایه گذاری است.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-11]

منابع و مآخذ

آلوی، جیمز(۱۳۸۴)، «تاریخچه ای از علم اقتصـاد در جایگاه علمی اخلاقی»، ترجمه علی نعمتی، فصلنامه اقتصاد اسلامی،شماره۱۹

ابدالی، مهرزاد(۱۳۸۹)، «جایگاه اخلاق در تحلیل اقتصادی حقوق»، فصلنامه علمی وپژوهشی نامه مفید، شماره۸۹

ابوالحسـنی، اصـغر و علی رحیمی، رحمت الله(۱۳۸۹)،«تأثیر ارزش های اخلاقی در اقتصـاد از دیدگاه شهید صدر»،فصلنامه اخلاق، شماره۱۹

بادینی، حسن(۱۳۸۲)، «مبانی فلسفی نگرش اقتصادی به حقوق»، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی،شماره۶۲

پرمن، راجر، ما،یو و مک گیل ری،جیمز(۱۳۸۷)، اقتصـادمحیط زیسـت ومنابع طبیعی،ترجمه حمیدرضا ارباب،نشر نی

خاکباز، افشین و هاشمی، محمد حسین(۱۳۸۶)، اخلاق و اقتصاد، پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی

دادگر، یداله(۱۳۸۶)، «نقش قضـیه coase و هزینه مبادله در تحولات جدید اقتصـادی»،نامه مفید،شماره۶۰

سن، آمارتیا، اخلاق و اقتصاد(۱۳۷۷)، ترجمه حسن فشارکی، نشر شیرازه

شاول،استیون(۱۳۸۸)، مبانی تحلیل اقتصادی حقوق، ترجمه محسن اسماعیلی، مرکز پژوهشهای مجلس شورای اسلامی

کوتر، رابرت و یولن، تامس(۱۳۸۸)، حقوق و اقتصـاد، ترجمه یدا... دادگر و حامده اخوان هزاره، انتشارات نور علم همدان

معصـومی نیا، غلام علی(۱۳۸۶)، «اخلاق اقتصـادی و مبانی بینشـی، آموزه ها و آثار»، فصـلنامه علمی و پژوهشی اقتصاد اسلامی، شماره ۲۶

معصومی نیا، غلام علی(۱۳۹۰)،«اخلاق اقتصادی(معیشت)»،فصلنامه علمی و پژوهشی پژوهش نامه اخلاق، شماره۱۲

موفق، علی رضـا و هادوی نیا، علی اصـغر(۱۳۸۸)،«مبانی اخلاقی مصـرف از دیدگاه مکاتب سودگرایی،وظیفه گرایی و اسلام»، فصلنامه علمی و پژوهشی اقتصاد اسلامی،شماره ۳۶

میر معزی،سـید حسـین(۱۳۹۱)،نظام اقتصـادی اسـلام: مبانی، اهداف،اصـول راهبردی و اخلاق، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی

نجفی، مهدی(۱۳۸۴)، «اخلاق و کارایی در بازار سهام از دیدگاه اسلام»، فصلنامه اقتصاد اسلامی، شماره۱۸

نورث،داگلاس و والیس،جان و وینگاسـت،باری(۱۳۸۵) «چارچوب مفهومی برای تفسـیر تاریخ مکتوب بشری» ترجمه جعفر خیرخواهان، فصلنامه تحول همه جانبه اقتصاد سیاسی،شماره سوم

Coase,R.H.(1960) The problem of social cost, Journal of Law and Economics, Vol.3,pp.1-44

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-11]

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-11]